



۱۳۹۷ - ۲۲۷۱ شماره ۱، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۷

# زبان فارسی در چند گفت و گو

۲۰۱۰۸۱۶ شماره ۱، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۷

- ۷ یادداشت
- ۱۵ فراموش کردن فارسی ممکن نیست گفت و گو با آنا میسین معروف  
خیلی ترسیم از این که کیروس علی نژاد داشته باشد
- ۲۷ گفت و گو با استاد دکتر پرویز خالزری
- ۸۵ دوره‌ی مساحتیان آمده است با  رگو با محمدجان شکوری به فارسی  
هیچ خطری زبان فارسی را تهدید نمی‌کند (۱)  
به تازگی با  رگو
- ۱۰۵ «لا» پیش از «پ» در «پلا» و «پلا» در «پلا» (۱۳۹۷/۱) گفت و گو با دکتر محمدعلی باطنی  
«پلا» در «پلا» و «پلا» در «پلا» (۱۳۹۷/۱) گفت و گو با دکتر محمدعلی باطنی
- ۱۳۷ «پلا» در «پلا» و «پلا» در «پلا» (۱۳۹۷/۱) گفت و گو با دکتر محمدعلی باطنی

۱۳۹۷ - ۲۲۷۱ شماره ۱، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۷



شماره ۱، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۷

## فهرست

- یادداشت
- ۷
- ۱۵ فراموش کردن فارسی ممکن نیست گفت وگو با اکادمیسین غفورف  
خیلی نترسیم از این که کلمه اصل خارجی داشته باشد
- ۳۷ گفت وگو با استاد دکتر پرویز خانلری
- ۸۵ دوره‌ی سامانیان آمده است باز گفت وگو با محمدجان شکوری بخارانی  
هیچ خطری زبان فارسی را تهدید نمی‌کند (۱)
- ۱۰۵ گفت وگو با دکتر محمدرضا باطنی  
خط فارسی را نمی‌توان اصلاح کرد (۲)
- ۱۳۷ گفت وگو با دکتر محمدرضا باطنی

## یادداشت

### ادای دین به زبان فارسی

در کشور ما، هیچ چیز به اندازه‌ی زبان فارسی اهمیت ندارد. اهمیت زبان فارسی در این است که ما شب و روز به آن تکلم می‌کنیم. هرچه می‌آموزیم و آموخته‌ایم به این زبان است. هرچه را به دیگران منتقل می‌کنیم، و هرچه را از سرزمین‌ها و زبان‌های دیگر می‌گیریم باز از راه همین زبان می‌گذرد. با این زبان است که شعر گفته‌ایم، حماسه ساخته‌ایم و احساسات خود را بیان کرده‌ایم. از طریق همین زبان است که خرد می‌ورزیم اگر بورزیم، و بر دانش خود می‌افزاییم اگر بیفزاییم. اگر به زبان فارسی در قانون اساسی بها می‌دهیم یا برایش فرهنگستان می‌سازیم نیز به همین علت است. چنین است که گفت‌وگوهای معدود من درباره‌ی زبان فارسی ادای دین به این زبان است و نیز کوشش ناچیزی است برای دور کردن هر نوع خطر از زبان فارسی.

گمان ندارم زبان فارسی در طول عمر هزار و چند صد ساله‌ی خود، از زمان سامانیان تا پیش از ورود به دوران جدید، وارد مباحثی از این دست شده باشد که آیا خطری آن را تهدید می‌کند یا نه، موجبی برای

چنین مباحثی وجود نداشت. ما در طول این سده‌های دراز در خواب بی‌پایان خود بچ زده بودیم و چیزی جز هجوم اقوام بیگانه این خواب سنگین را بر نمی‌آشت. مهاجمان این تاریخ هزارساله نیز همگی فرهنگ ضعیف‌تری از ما داشتند و هیچ خطری زبان و فرهنگ ما را تهدید نمی‌کرد. این مباحث از زمانی آغاز شد که فارسی‌زبانان با دنیای غرب آشنایی یافتند و علم و تکنولوژی و فرهنگ غرب به‌مثابه آواری بر سر آنها فرود آمد. ورود علم، و پدیده‌های تکنولوژی نوین، زبان ما را با نام‌ها و کلمات و اصطلاحات خارجی درآمیخت و فارسی‌زبانان را دچار این دلهره کرد که زبانشان نیز در کنار فرهنگ و هویت‌شان در معرض خطر قرار گرفته است. همان زبانی که از حمله‌ی اعراب جان سالم به در برده بود و از عهده‌ی علم و کشورداری برآمده بود.

به غیر از زبان، بحث تغییر خط هم در آن دوره‌ی هزار و چند صد ساله هرگز مطرح نبود. ظاهراً خط امروزی فارسی که از عربی گرفته شده با همه‌ی معایب از خط پهلوی کامل‌تر و کم‌عیب‌تر بود. به هر حال بحث هم متعلق به دوران جدید است؛ یعنی از اواسط دوران ناصرالدین‌شاه که آموزش‌های همگانی دغدغه‌ی روشنفکران ایران شد و گویا اولین کسی به‌طور عملی اقدام به آن کرد و پیشنهادهایی راجع به جدانویسی حروف ارائه داد، میرزا ملکم‌خان بود.

کتاب حاضر شامل پنج گفت‌وگوست. گفت‌وگوهایی که موضوع‌شان همین تهدیدهایی است که احتمالاً زبان فارسی با آنها روبه‌روست. این گفت‌وگوها از یک سو نشان‌دهنده‌ی آن است که این‌گونه ترس و بیم‌ها، نزد زبان‌شناسان و دانشمندانی که با زبان فارسی سروکار داشته‌اند، محلی از اعراب ندارد. از سوی دیگر این گفت‌وگوها نشان می‌دهد که زبان فارسی در صد سال اخیر چندان بی‌خطر نزیسته است؛ دامنه‌ی آن به لحاظ

جغرافیایی در این مدت کاهش یافته و اکنون شهرها و کشورهای کمتری را دربرمی‌گیرد. چنان‌که در سمرقند و بخارا که روزی مهد زبان فارسی بود و نثر درخشان فارسی از آنجا بیرون می‌آمد، امروزه دیگر مدرسه‌ی فارسی زبان وجود ندارد و گویندگان پارسی آن محدودند. یا در کشمیر، چنان‌که باباجان غفورف در گفت‌وگوی خود اشاره می‌کند در حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی تقریباً همه به زبان فارسی سخن می‌گفتند اما اکنون دیگر کسی این زبان را به یاد ندارد. در ترکیه که خط و زبانش تا پایان دوره‌ی عثمانی به صورت رسمی فارسی بود، هیچ‌کس امروز قادر به تکلم به زبان فارسی نیست. یا در قفقاز که در تمام طول تاریخ، زبان فارسی رواج داشت، پس از تسلط روس‌ها و سپس شوروی‌ها، با این زبان بیگانه شده است. من خود در سال ۱۹۷۲، در مسکو یک خبرنگار گرجی را دیدم که هنوز کلماتی از فارسی می‌دانست و می‌توانست نام خود را به خط فارسی بنویسد و می‌گفت قبلاً بسیاری از مردم گرجستان قادر بودند به زبان فارسی بنویسند اما حالا دیگر کسی این زبان را به یاد ندارد.

یعنی برخلاف آرزوهای عبید رجب، شاعر میهن‌پرست تاجیک که با آن زبان آتشگون، شرر در استخوان آدم می‌زد و می‌گفت این گفته‌ی دشمن را باور نمی‌کند که زبان مادری‌اش، جلو چشمانش دود می‌شود، نابود می‌شود، باید باور کرد که این اتفاق می‌افتد و زبان ما در سرزمین‌هایی از بین رفته است.

به هر صورت این زبانی که از آن گفت‌وگو می‌کنیم از زمان یعقوب‌لیث، یعنی از زمانی که رویگر سیستانی در واکنش به عربی سرودن شعرای ایرانی گفت «چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت» زبان نوشتار سراسر ایران شد. از آن زمان و پیش از آن، ضرورت یک زبان نوشتاری